

فکر یا عالیترین مظهر حیات

- امتیاز انسان از حیوان
- جهان کوچک و قدرت بزرگ
- چراغ روشن در جهان تاریک
- اولین نقطه توجه فکر

میزان شکفتیهای جهان آفرینش آنقدر زیاد است که دانش روز افزون بشر، در برابر آن جلوه‌ای صغیر را هم ندارد؛ هر روزی که از هر جهان می‌گذرد و دامنه علوم و دست می‌یابد و سطح افکار بالاتر می‌رود، قیافه اسرار جدیدی نمایان می‌گردد و لذا نباید گمان کنیم که اسرار این عالم تمام شدنی و محدود است.

مخترع بزرگ آمریکائی «ادیسون» که صدها اختراع و اکتشاف در عالم بشریت بنام وی ثبت شده است می‌گوید: «بشر با پیشرفت علمی هنوز یک میلیونیم از صدها میلیارد حقایق جهان را کشف نکرده است».

ولی خوشبختی از اینجاست که خداوند در وجود ما نیروی اسرار آمیزی بنام «فکر» پویست نهاده است که روز بروز بتوانیم قدمهای برجسته‌تری برداریم و بشکفتیهای موجودات این عالم آشنا تر گردیم.

ما که به جانب و بدایع جهان آفرینش توجه می‌کنیم و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم باید اول همین قوه مرموز یعنی «فکر» توجه کنیم؛ زیرا همین نیرو است که تمدن‌ها را بوجود آورده، رشته‌های علوم را تدوین، کتابها تألیف و کتابخانه‌ها تأسیس کرده است. همین قوه حیرت انگیز است که انسان را بر همه مشکلات زندگانی پیروزمی‌کند؛ و هر روزی در زندگانی طرح جدیدی می‌ریزد همین نیروی بدیع و فعال است که لحظه‌ای وقفه نرود و به خود راه نمی‌دهد و با فعالیت خستگی ناپذیری کاروان بشریت را در مسیر اجتماع پیش میبرد.

با مختصر توجهی؛ نمونه فعالیت فکر را در وجود خود می‌بینیم؛ مادریکه نقطه‌ای از زمین نهشته‌ایم ولی فکر ما آسمانها را قلمرو تاخت و تاز خود قرار میدهد، ما ساکنیم اما آن

مسافت‌های بسیار دور و دراز را زیر پا می‌گذارد؛ این نیروی فعال هیچگاه برای جولان خود مرزی قائل نیست و لذا گاهی که کمانها را مورد بررسی قرار میدهد، زمانی با عساق اقیانوسها راه پیدای کند؛ گاهی آنقدر دقیق و موشکاف می‌شود که ابعاد اتم را اندازه‌گیری می‌کند، زمانی آن اندازه‌اوج می‌گیرد که ما و راه‌جو را تسخیر می‌نماید.

بهر تاکنون موجودی سریع‌السریر از نور کشف نکرده است، میدانیم که نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر راه طی میکند، یعنی میتواند در يك ثانیه هفت مرتبه، دوره کره زمین بگردد ولی این سرعت اصلاً با سرعت و فعالیت نیروی «فکر» قابل مقایسه نیست بعبارت روشنتر فکر اساساً «زمان» ندارد.

اهتیا از انسان از حیوان

انسان گرچه هنگامی که چشم‌های جهان می‌گشاید بسیار ضعیف است، جز گریه و دلخراش و مکیدن پستان چیزی بلد نیست؛ ولی رفته رفته در نتیجه رشد قوه «فکر» با عوامل طبیعت آشنا میشود و بر آنها تسلط می‌یابد، مواد اولیه زندگی را از دل زمین بدست می‌آورد، وسیله آسایش خود را در سایه صنایع گوناگون فراهم می‌سازد؛ از دریا و صحرا بهره‌برداری میکند؛ از لایه‌های طبقات خاک و آب گنجها و ذخائر فراوانی تحصیل مینماید، علم‌ها پدید می‌آورد، حوادث و تجربه‌های گذشته را بزنجیر تاریخ کشیده برای آینده حفظ میکند، و بالاخره علاوه بر مهار کردن قوای طبیعت، کمر همت برای تسخیر سیارات آسمانی می‌بندد.

آری کلیه اختراعات و اکتشافات شکر فی که در صحنه اجتماع بشر خود نمایی می‌کند و تحول عجیبی در رژیم زندگی بوجود می‌آورد، همه و همه محصول این نیروی نیرومند است. جا ندارد آن دیگر که دارای زندگی اجتماعی هستند و همچنین بعضی از حیواناتی که در حال انفراد زندگی میکنند؛ بطوری که معروف است دارای فراترزی هستند که طبق آن اعمال عجیبی انجام میدهند، ولی هیچگاه نباید فریزه را با فکر اشتباه کنیم مثلاً:

ذنبور عسل در زندگی خود تشکیلات قابل توجهی دارد صافه گلها را می‌مکد و غذای لذت بخشی فراهم می‌نماید؛ لانه شش‌گوشه منظم می‌سازد و نوزادهای خود را با طرز جالبی تربیت می‌کند.

و همچنین مورچگان زندگی اجتماعی داشته مخصوصاً با شیان و وطن خود علاقه شایانی دارند و لانه خود را طبقات منظمی بنامی کنند. در فصل تا پستان با کمال جدیت برای زمستان خود خوار بار را در انبار مخصوصی ذخیره می‌نمایند و با مهارت عجیبی دانه‌ها را نگهداری می‌کنند که سبز نشود و ضمناً فاسد هم نگردد؛ حتی در دامپروری یعنی، در

تربیت و نگهداری بعضی از حشرات بمنظور استفاده از موادی که از بدن آنها ترشح میکنند مهارت خاصی دارند .

طرز زندگی مورخانه بسیار جالب است : عمارتهای خود را باسیمان خیلی محکمی بنا میکند و از اجتماع آنها خیا بانهای مرتب و منظمی بوجود میآورد ، تقسیم کار در میان افراد باطرز دقیقی انجام میگیرد و همچنین بسیاری از حیوانات دیگر در طرز لانه ساختن و تهیه غذا و تربیت نوزاد خود دقت هایی بکار میبرند که بسیار جالب می باشد ، ولی همه اینها نتیجه غریزه هائی است که در وجود آنها بطور خودکار تعبیه شده است ؛ و لذا همیشه بکنواخت و ثابت است ، تفنن و تنوع ندارد .

اما انسان روز بروز در نتیجه قوه فکر ، رژیم زندگی خود را عوض می کند و نقش نوینی طرح می نماید و تحولات و تغییرات دامننداری پدید میآورد .

جهان کوچک و قدرت بزرگ .

بسیاری از افراد با اینکه سالها در این عالم زندگی کرده اند ؛ دقیقه ای به جانب جهانی که در لوح ذهن آنها مرتسم است توجه ننموده اند ؛ شما هر منظره ای را که از آغاز عمر دیده ؛ و هر آوازی را که شنیده و هر مطلبی را که خوانده اید و بالاخره هر موضوعی را که ادراک نموده اید ، خورشید و ماه ، آسمان و زمین ، دریا و صحرا ، کوه و کاه ، آشنا و بیگانه ، کوچک و بزرگ ؛ همه همه در این گنجینه عجیب بایگانی شده است ، علاوه بر اینکه کلیه معلومات شما در این مخزن (ذهن) نگهداری می شود خلاصت و وصف ناپذیری دارد یعنی هر چیزی را که بخواهید فوراً ایجاد میکنید حتی چیزهایی را که خارج از وجود شما وجود ندارد ، راستی این خلایق که برای نفس آدمی است نمونه بارز است از قدرت خداوند احسن الخالقین که این اندازه قدرت و اختیار بنفس انسان داده که هر چه را بخواهد می آفریند ، حتی بقیده بعضی منظور از حدیث : « من عرف نفسه فقد عرف ربه » یعنی « هر کس نفس خود را بشناسد پروردگارش خود را شناخته است » همین موضوع خلایق نفس است .

چراغ روشن در جهان تاریک

در وجود هر فردی ، چراغی از جهان غیب روشن شده است که ویرا با آنچه خیر و صلاح است رهبری می کند و آثار زیان بخش مضرات را اعلام مینماید ، این چراغ روشن « فکر » است فکر نیرویست فوق نیروهای ماده بی جان یعنی ؛ نتیجه ترکیب عناصر ماده نیست و جنبه « ماوراء الطبیعی » دارد .

مغز باجمیع محتویات خود ، درطول عمر يك فرد ، چندین بار عوض می شود ولی افکار و معلومات شخص در تمام این مدت ثابت و پایرجا می ماند ؛ و همین موضوع دلیل است که افکار خاصیت ماده مغزی نیست .

البته در این مقاله کوتاه ما نمی توانیم دلائلی را که فلاسفه برای مادی نبودن «فکر» سایر خواص روحی بیان کرده اند ، یاد آور شویم (۱) ولی این نکته را نیز نمی توانیم ناگفته بگذاریم که فکر و سایر نمودهای نفسانی ، خاصیت و اثر ماده نیست و هیچگاه با انرژی حرارتی و میکانیکی و فیزیکی و شیمیایی که مادی هستند قابل مقایسه نیست .

بدون تردید از این نیروی فوق ماده روزنه‌ای بماوراء طبیعت باز می گردد و وجود آفریننده انسان متفکر را ثابت می سازد «گرسی هورینس» می گوید : «ظهور انسان عاقل متفکر در میان حیوانات امری خطر و فاجعه ترازا نیست که تصور کنیم این ظهور ، معلول تحول ماده است و دست خالق در آن دخالت نداشته است» بازمی گوید : «ماده جز برطبق قوانین و نظامات خود عملی انجام نمی دهد؛ ذرات و اتموها تابع قوانین مربوط بقوه جاذبه زمین و فعل و انفعالهای شیمیایی و تأثیرات هوا و الکتریسته هستند ماده از خود ابتکار ندارد و فقط حیات (قوای روحی) است که هر لحظه نقشهای تازه و موجودات پدید می آورد» (نقل از کتاب راز آفرینش انسان) .

اولین نقطه توجه فکر

نخستین موضوعی که پیش از همه چیز فکر آدمی را بخود جلب می کند و هر فردی اعم از تمدن و وحشی در اولین قدم رنده فکری ، باین موضوع توجه می نماید ، موضوع مبده جهان یعنی خدا است ، اولین سؤالی که طبیعت کنجگاو بشر از خود می کند اینست که من چیستم و جهانی که در آن هستم چیست ؟

انسان وقتیکه در نظام شب و روز ، طلوع و غروب خورشید و ماه و ستارگان ، فصول منظم سال ، رویدن گیاهان ؛ پیدایش جانوران و بالاخره در وجود اسرار آمیز خود فکری کند فرق درحیرت می گردد و از خود سؤالی می کند :

- | | |
|------------------------------|-------------------------------|
| که در پیکر تن روان آفرید ؟ * | که بخشید عقل و که جان آفرید ؟ |
| که گلگونه بر گونه لاله کرد | که پیرایه غنچه از ژاله کرد ؟ |
| که بر تارک چرخ افسر نهاد ؟ | که در سنک یا قوت احمر نهاد ؟ |
| که شمع شب فروزمه بر فروخت ؟ | که در مجمر گلستان هود سوخت ؟ |
| زمین را که گشرد بر روی آب ؟ | که در دانه کرداز سرشک سحاب ؟ |

فکر، این سوالات را پاسخ میدهد و آدمی را بان قدرتی که بر همه کائنات حکومت میکند رهبری میکند، زیرا نظام شکر این جهان؛ با گویاترین زبان؛ و رساترین بیان دل و دیده هر صاحب دل و صاحب نظر را بقدرت و حکمت خداوند منال جلب میکند، آری:

دل گواهد است که در پرده دل آرائی هست * هستی قطره دلیل است که دریائی هست
شکی نیست که هر چه بیشتر فکر کند؛ معرفت وی کاملتر خواهد شد، روی همین اصل پیشوایان عالم مقام دین مقدس اسلام ما را بتفکر در موجودات این عالم تشویق می نمودند

امیر مؤمنان علی علیه السلام میفرمودند، «لَاعِبَادَةَ كَالْتَفَكْرِ فِي صِنْعَةِ اللَّهِ» یعنی: هیچ عبادتی مانند فکر کردن در مصنوعات پروردگار عالم نیست.



چون در سال گذشته در شماره ۸ در مقاله «مقالات و مذاهب» راجع با سرارد دستگاه اصحاب انسان بحث شده است مادر این باره بهمین مقاله که مربوط به «فکر» است قناعت میکنیم و در شماره بعد باز درباره خواص انسان بحث خواهیم کرد.

پنجمبر اسلام باشما سخن میگوید:

هان ای مردم! کسیکه اخلاق خود را در این ماه مبارکه (رمضان) نیکو کند از راه بهشت باسانی میگذرد؛ و کسیکه کار زبردستان خود را سبک گرداند خداوند حساب را بر او سبک می گرداند، و کسیکه آزار پدیدگران نرساند خداوند در قیامت آتش عظم خود را از او فرو نشاند، و کسیکه یتیمی را نوازش کند خداوند در جهان دیسگر او را نوازش می کند، و کسی که با خویشاوندان خود پیوند الفت برقرار سازد خداوند او را بر رحمت خود می پیوندد و کسیکه از خویشاوندان خود قطع رابطه نماید خداوند رحمت خود را از او قطع میکند.

«نقل از جلد دوم وسائل الغیبه»